

جلسه سوم

که علت دیندگی کالاهای وابسته و بیگانه چیست؟

که متغیرهای تابعی، چه متغیری است؟ سرچوردی یا مبرایان؟

در مابین ممالک - این دو سوال جواب جدا هم دارد

در جلسات قبل دید سری مفاهیم را در جلسات قبل اعلام کرده ایم - برخی

مطالب که تاکنون اعلام کرده ایم از کتابی است به نام "جلسات نظام اقتصادی"

اسم " که ۲ فصل اول آن کتاب در جلسات اول تدریس شده است

همینکه آن را به شکل PDF در گروه قرار داده ایم

تفصیلاً که یکی از تقسیم بندی های اقتصاد، تقسیم بندی اقتصاد به ۲ ساقه

خرد و کلان می باشد؟

انداختن اقتصاد خرد را توضیح می دهیم

(فصل دوم کتاب اقتصاد خرد آنگامی مهرگان)

اعتقاد دهنده

نمی‌اند صاحب که در اعتقاد دهنده با آن سروکار داریم ، مضمون بازارهای بازرگانی

سایر مباحث مسائل : انواع بازارها ، نحوه تقسین قیمت در بازارهای بازرگانی

بازار:

وقتی که بازار صحبت می‌کنیم ، انتظار داریم که در طرف عرضه بازار و تقاضای

بازار ، داد و ستد داریم . همانند در لبه قیمتی که ما هم عمل می‌کنیم اگر فقط یکی

از لبه‌ها داد و ستد داریم ، قیمتی ، هیچ کارکردی نخواهد داشت

در بازار نیز بر این اساس همین سؤال می‌باشد . در حقیقت به دلیل عرضه و تقاضای

بازار هست که قیمت تقسین می‌شود

بر همین اساس ، صحبت عرضه و تقاضای بازار را شروع می‌کنیم و سپس

این دورا با هم در یک مباحث می‌کنیم سپس نحوه تقسین قیمت و تغییرات

قیمت را در بازار توضیح می‌دهیم

Arman

صفحات مربوط به درس این جلسه ، به شکل PDF در گروه قرار گرفته است.

صفت است که بعد تقاضا است. ابتدا تعریفی از مانده ارائه می دهیم. (علیرغم این

نکته که در کتابها، جمله "مقدار" می آید که مانده را تعریف کنند)

تعریف باردار:

بفرض مجموعه است که در آن قیمت کالاها، خدمات و عوامل تولید توسط

مکانیزم عرضه و تقاضا تعیین می شود.

تعریف باردار:

بفرض مجموعه است که در آن داد و ستد با وظایف عرضه کننده و متقاضی بر اساس

مکانیزم قیمت، در آن صورت می گیرد.

این نهاد اجتماعی است که بر اساس لزوم قیمت، عرضه کننده ها و متقاضیان

بصورت با وظایف درستی به مبارزه می روند.

تقاضا :

تقاضا برای یک کالا به این صورت تقدیم می شود :

مقدار کالایی است که خریدار در طی مدت زمان معینی با توجه به عوامل

مختلف حاضر به خرید آن هستند .

به این تقدیم چند نکته وجود دارد :

۱) وقتی صرف از تقاضای زینم ، یک دوره زمانی ملاک هست پس

تقاضای متغیر عبرال می باشد ؟ ^۱ تقاضای ماهیانه من برای پرنج

کدام لایه است . یا تقاضای خانواده ما برای پرنج در هفته هی لایه م

پرنج است . (پس دارای بعد زمان می باشد)

در طی یک مدت زمانی می خواهم ببینم که خریدار با توجه به عوامل مختلف

میزان ک خرید یک کالا و ضرات حقدر است ؟

نکته دوم : همان ک حاضر بودن است .

۱
۲
۳
۴
۵
۶
۷
۸
۹
۱۰
۱۱
۱۲
۱۳
۱۴
۱۵
۱۶
۱۷
۱۸
۱۹
۲۰
۲۱
۲۲
۲۳
۲۴
۲۵
۲۶
۲۷

همانطور که گفتیم ، مقوله کالایی که خریداران در طی مدت زمان معینی با خود

به عنوان مختلف حاضر به خرید آن هستند

این حاضرین ، کلمه رصتی است و حاوی ۲ نکته می باشد

- ① مایل به خرید بودن
- ② قادر به خرید بودن

یعنی وقتی شخصی حاضر به خرید کالایی می باشد که هم مایل به خرید

باشد و هم قادر به خرید به عبارت دیگر قدرت خرید آن را داشته باشد

بسیار کالایی که با وجود تنوع و تعدد ، می توانیم بخریم ولی عمایل نداریم

و بخریم ~ ~ ~ عمایل نداریم بخریم ولی توانایی نداریم

→ وقتی متقاضی خرید کالایی به حساب می آید که هم مایل به خرید باشد و

هم قدرت خرید آن کالا را داشته باشد

در تئوری بازار ، گفته شد که با توجه به عوامل مختلف حاضر به خرید هستند

۱ این عوامل مختلف که در تقاضای فردی در بلندمدت چیست ؟

۲ در واقع بحث اصلی ما نیز همین قسمت است .

۳ تقاضای برای یک کالا (خواه توسط یک فرد و یا توسط یک خانوار) می تواند

۴ باشد . البته (کوچکترین واحد مصرف کننده را خانوار فرقی می کنند)

۵ در یک خانوار ، تمایلات فرد متغییر می شود و بر اساس درآمدی که

۶ خانوار دارد ، آن تمایلات به کالا تبدیل می شود (البته با توجه به محدودیت

۷ بودجه که در دست خانوار می باشد)

۸ که حال ممکن است خانوار یک نفره نیز داشته باشد ولی در اقتصاد خرد

۹ کوچکترین واحد مصرف کننده را یک خانوار فرقی می کنیم نه یک فرد

۱۰ علت آن نیز این است که :

۱۱ در خانوار معمولاً بی رویه درآمد دارند و وقتی مصرف کنند و درآمدی

۱۲ ندارند و صرفاً تمایلات آنها را خانوار متغییر می شود و درآمد خانوار به خرید

۱۳ کالا یا خدمات افراد خانوار اختصاص پیدا می کند یعنی ای که رضایت خاطر

Arman

خانواد ، عدالت شود و رفاه ممکن نیست ، آید .

این تقاضا چه در خانواده چه در کل بازار ، تابعی است از بسیاری عوامل


مختلف که به شکل ریاضی در آمده است : (مطابق زیر)

$$Q_1^d = F(P_1, P_2, \dots, P_n, I, T, A, P^e, \dots)$$

Quantity Q صرف اول کلمه مقدار است .

Demand d حرف اول کلمه تقاضا

نسخ Q^d ، یعنی مقدار تقاضا ، اندکی به معنی ، مقدار تقاضا برای

کالای بی بی باشد . (کیودی بی) Q_1^d  روشن خواندن

بی توان به جای بی ، یا بی قدر بگیرد .

معمولاً q را با حرف بزرگ می نویسیم . و اگر تقاضای بی خانواد مقدار

باشد d را کوچک می نویسیم . و اگر تقاضای بازار مطرح باشد

d را بزرگ می نویسیم .

$$Q_1^d = f(P_1, P_2, \dots, P_n, I, T, A, P^e, \dots)$$

Function

F صرف اول کلمه تابع است.

Price

P حرف اول کلمه قیمت

نکته Q_1^d تابعی است از عواملی که در برابری آن نام برده است.

بی که عواملی که در تابع اثر دارند قیمت است.

P_1 ، قیمت کالای یک می باشد.

وجود P_2 تا P_n نشان می دهد که بعضی قیمت خود کالا، قیمت

کالاهای دیگر نیز بر روی تقاضای کالای یک تاثیر می گذارد.

مثلاً اگر تقاضا برای چایی باشد، علاوه بر آنکه تقاضای ما، متاثر از قیمت

چایی است، متاثر از قیمت کالاهای جانبی و مکمل نیز می باشد.

کالاهای مکمل کالای یک (مثلاً چایی) با نام P_2 الی P_n نشان می دهیم.

برخی جانبی و برخی مکمل هستند.

مثلاً کالاهای مکمل چایی: قند، بوللی، نبات، فربا و توت هسته می تواند

Arman

۱
۲ باید که با تقسیم قیمت این کالا ها، می تواند به تعاضا برای چای اثر بگذارد.

۳ علاوه بر آن، چای، برخی کالا های جانبی نیز دارد. مثلاً برای چای سیاه،

۴ چای میانی مانند چای سبز، چای سفید، گل گاوزبان، قهوه، نبات

۵
۶
۷ کاپوچینو و ... می باشد.

۸ بررسی

۹
۱۰ تقسیم قیمت هر کدام از این کالا های جانبی، طبیعتاً می تواند تعاضا برای

۱۱
۱۲ چای اثر بگذارد.

۱۳
۱۴ P نماد قیمت می باشد.

۱۵
۱۶ سی تغییر حلاله

۱۷ P_1 قیمت خود کالا و P_2, \dots, P_n قیمت کالا های جانبی P_1 می باشد.

۱۸
۱۹ عوامل دیگری نیز در فرمول وجود دارد.

۲۰
۲۱ Income

۲۲ متغیر I ، نماد درآمد خانوار است.

۲۳ Income به معنی درآمد می باشد.

۲۴
۲۵ متغیر درآمد نیز به تعاضای خانوار برای یک کالا اثر دارد.

۲۶
۲۷ Arman

متغیر T ، همان ذائقه و سلیقه هست.
Taste

طبیعی است که تقاضای من برای یک کالا، تحت تأثیر سلیقه من نیز هست.
و اگر سلیقه من تغییر کند، تقاضای من برای یک کالا نیز تغییر می کند.

عامل بعدی: A متغیر A می باشد. (تبلیغات)
Advertisement

تبلیغات در تقاضای یک کالا اثر دارد.

مثلاً، تبلیغات تلویزیونی T فضای مجازی، می تواند بر روی تقاضای ما اثر بلندمدت داشته باشد.

عامل بعدی: p^e (انتظارات)
expectations

p^e یعنی قیمت انتظاری کالای یک

به عبارت دیگر قیمت یک کالا، انتظارات قیمت یک کالا نیز بر روی تقاضای

آن کالا هم اثر دارد.

مصادیق مانند آن همان اتفاقاتی است که در همین چند وقت اخیر اتفاق

افتاد. شاهد آن بودیم که قیمت یکریز کالاهای خدمات، روزانه داشت

افتاد بسیار کرد. به دلیل همان اتفاقات آمریکا و اثری است که انتظارات

دلای الان نه تنها افزایش ندارد بلکه رو به کاهش است.

Arman

۱
۲ روی انتظارات مردم را دسترس است - به دلیل مآرهای که ترامپ وارد کرد بود و

۳
۴ سببی می باشد که آن ترامپ بزرگ انتظارات بود، مآرچا و تعدیات

۵
۶ اندازین خواهد یافت، مردم انتظار اقداین صحت را نه اندک نزدیک

۷
۸ ماری کار آمدن ترامپ دانسته.

۹
۱۰ برخی افراد نیز رفتارهایی از خود نشان می دادند که مثلاً دلار ۳۰ هزاره توانایی و

۱۱
۱۲ که ۱۶ میلیون توانایی خرید کرد بودند و ما برای ۳۰ میلیون خریدند

۱۳
۱۴ بلافاصله که نتایج اولیه انتخابات آمریکا اعلام شد، انتظارات ثوری مردم

۱۵
۱۶ دستفروش تقسیم قدرت گرفت و این تصور بوجود آمد که ماری کار آمدن باید

۱۷
۱۸ و الله اعلم کرد بود که به بهجام برمی خورد، تصور بر این بود که یک مقوله کارها

۱۹
۲۰ کاهش خواهد یافت که صغیر به تقسیم در تقاضا کردند.

۲۱
۲۲ حله هم: انتظارات قیمتی می تواند روی تقاضا برای یک کالا اثر بگذارد.

۲۳
۲۴
۲۵
۲۶
۲۷ حال به بررسی تک تک این عوامل و تأثیر آن بر تقاضای در بازار

لرولین عامل :

یکی از عواملی که در تقاضای کالا نقش دارد، قیمت خود آن کالا است.

می خواهیم بررسی کنیم که چگونه این عوامل اثر دارند و جهت اثر گذاری آنها چیست

اینکه صرفاً اعداد کنیم، اثر دارند، فایده ندارد بلکه باید بدانیم که در چه جهتی اثر دارند

برای مثال :

وقتی قیمت کالا زیاد می شود، تقاضا برای کالا زیاد می شود یا کم ؟

هائیکو که می دانید، رابطه بین قیمت کالا و تقاضا، یک رابطه عکس می باشد

یعنی وقتی قیمت یک کالا زیاد می شود، انتظار داریم که مقدار تقاضا برای کالا کم شود

و وقتی قیمت کاهش یابد، انتظار داریم که تقاضا برای آن کالا افزایش یابد.

اصطلاحاً

اگر رابطه عکس بین قیمت و مقدار تقاضا برای یک کالا وجود داشته باشد

به آن ارتباط عکس، قانون تقاضا گویند.

قانون تقاضا : ارتباط عکس بین قیمت کالا و مقدار تقاضا برای همان کالا

به عبارت دیگر داریم در مورد ارتباط P_1 و Q_1 صحبت می کنیم

نه P_2 و Q_2 (ارتباط یک کالا و تقاضا برای همان کالا)

گفتیم که قانون تقاضا، یک ارتباط علوس است.

حال اگر کالای، قانون علوس (یعنی ارتباط علوس بین قیمت و تقاضا)

در مورد پس صدق کند را کالای عادی گویند. و اگر قانون تقاضا در مورد

آن کالا نقض شود، اصطلاحاً به آن کالا لیفن (Giffen) گویند

لیفن، اسم همان سحفی است که برای اولین بار به نقض قانون

تقاضا پی برده است.

حقیقتاً ۹۸ این فرد، در یکی از دوره های آمریکا (۱۹۵۰ یا قبل تر)

به این مسئله پی برده و وقتی قیمت سیب زمینی در بریتانیا کم می شد

تقاضا برای سیب زمینی نیز کم می شود. (یعنی خلاف چیزی که

انتظار داشتیم)

Arman

حل اول I را بررسی می کنیم. (اندازه اسنچ درامد در تقاضا)

در خلاف ارتباط قبلی، در این حالت نمی توانیم بگوییم /- او با قابلیت تقدردهم

تکلیفی کالاها هستند که در درامد با اندازه اسنچ به اندازه، تقاضای ما برای آن

کالاها هم می یابند. بدین ترتیب سوال بهتر توضیح می دهیم.

فرض کنیم که درامد همانقدری، کم باشد و توان خرید در برف شمال را

نداشته باشد، و برف پالستانی ناصر خوب خرید می کند.

حال اگر درامد آن خانواده افزایش یابد، دیگر تقاضای برف پالستانی نخواهد

داشت و تقاضای برف شمال را خواهد داشت.

به عبارت دیگر

با افزایش درآمد، یک سری کالاها را ممکن است کمتر بخریم و یکی

کالای مرغوب تری را جایگزین آن سازیم.

پس این ارتباط الزاماً ارتباطی مستقیم یا معکوس نخواهد بود

Subject:

Year Month Day

سال دینار : مابین است .

در سطح درآمد افزایش یابد تقاضای خود ردهای پر مصرف یا خود ردهای

سطح پایین مانده براید هم می گیند و تقاضا را به نسبت خود ردهای لوکس و دران

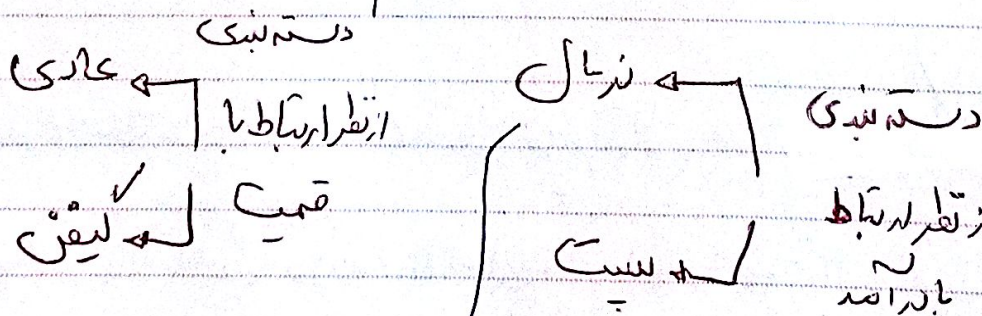
قیمت ، تغییر می دهیم . (بسامی بلند)

خلاصه :
نسبت در ارتباط با درآمد کالاها را می توان مجدداً دسته بندی کرد :-

(۱) اگر ارتباط مستقیم باشد - کالای نرنال گویند

(۲) اگر ارتباط معکوس باشد - کالای پست گویند

مانده هان بر برف و مابین که مثال زدیم -



حال خود کالا های نرنال به ۲ دسته تقسیم می شوند
کالای ضروری لوکس

Arman

کالای ضروری :

وقتی درآمد تقسیم می‌کند ، تقاضای برای آن کالا ، هزینه‌ای افزایش

پیدا خواهد کرد . به عبارت دیگر در صد افزایش تقاضای در صد تقاضای

درآمد ، کمتر است .

برای مثال ، درآمد ما $\frac{1}{2}$ افزایش می‌یابد ولی تقاضای ما برای کالا $\frac{1}{3}$ است

(به همان نسبت یا نسبت بیشتری ، تقاضای ما زیاد شده است .)

مسئله دیگر در خانواده ای معمولی باشیم که توان خرید برنج شمال را داشته باشیم ،

وقتی درآمد ما افزایش می‌یابد ، تقاضای ما برای برنج شمال ، زیاد افزایش نمی‌یابد

چون در ابتدا بودیم که حال آنکه درآمد مان افزایش یافته ، از ابتدا بیرون بیاییم

ممکن است برای خانواده ای فقیر برنج شمال ، یک کالای لوکس باشد

و به همین افزایش درآمد ، تقاضای خود را برای برنج شمال به نسبت افزایش

دهد . ولی برای یک خانواده غنی ، آن هزینه‌ای در منزل آن تقاضا ، ندارد

Arman

۱ در این حالت بی‌نیغ‌تر است، همان‌گویی فندوری است. (برای خانواده عادی)

۳ ولی برای خانواده فقیر، اینگونه نیست. ^۲ و مثلاً ^۱ ابتدا، ^۳ خوراک و پوشاک

۵ بقیه خواهد کرد.

۶
۷
۸ پس برای خانواده فقیر — گویی لولیس

۹
۱۰ ~ ~ عادی — گویی فندوری

۱۱
۱۲
۱۳ عامل بعدی T (ذائقه)

۱۴
۱۵ وقتی ذائقه و سلیقه مردم برای بقیه گویی سون لبه‌اند، تعاضاً برای

۱۶
۱۷ بقیه آن‌گویی، اقتدارش می‌یابد و برعکس

۱۸
۱۹ ^۲ مثال بارز: فرش دستباف ایرانی در بازار جهانی

۲۰
۲۱ در طول زمان متوجه شدیم که صادرات فرش روبه کاهش است و سهم ما از بازار

۲۲
۲۳ جهانی، در حال کم شدن می‌باشد. به‌عبارت‌دیگری متوجه شدیم که ذائقه سایر

۲۴
۲۵ کشورها عوض شده است ولی تولیدکننده‌های ما همچنان با همان طرح و نقش‌ها

۲۶
۲۷ قدیمی و سنتی که سالها به همان شکل تولید می‌کردیم، در حال تولید فرش است.

Arman

این در حالیست که طبقه مردم تقسیم کردن بود و خلاصه کسورهای دلیر، به این
 تقسیم ذاتی توهم کرده اند و فرس آنها، سهم ما را از صادرات فرس کم کرد

عامل ریوی A (تبدیلات)

طبیعتاً تبدیلات و فرایج تبدیلات برای یک کالا، تقاضا برای آن کالا را بالا می برد.
 و برعکس، تبدیلات منفی نیز می تواند بر تقاضای آن کالا تأثیر منفی بگذارد.

برای مثال

چینی پسینگی لیبی در فضای مجازی منتشر کرد در خلال بدنه تن ماهی،

پسینگی یا پسینگی وجود داشته است. حتی اگر این تبلیغ علی با اسد در فضای

دیگر باشد، روی مسلمان ریوی تقاضای آن کالا اثر منفی خواهد گذاشت

عامل ریوی P^e (انتظارات)

انتظارات افسانگی قیمت یک کالا، تقاضا برای آن کالا را افزایش می دهد

کند :

۱
۲
۳
۴ اقداس قیمت یک کالا ، تقاضای آن کالا را کاهش می دهد ولی

۵
۶ انتظار اقداس قیمت یک کالا ، تقاضا برای آن کالا را اقداس می دهد -

۷
۸
۹
۱۰ برخی مواقع گفته می شود که قوانین اقتصادی در ایران برعکس عمل می کند

۱۱
۱۲ مثلاً وقتی قیمت یک کالا اقداس می یابد در هر دنیا ، تقاضا برای آن کالا

۱۳
۱۴ کم می شود ولی در ایران ، تقاضا اقداس می یابد و مردم هجوم می برند برای

۱۵
۱۶ خرید . باید گفت که این مساله به معنای نقض قوانین اقتصاد نیست

۱۷
۱۸ بلکه بحث ، انتظارات است . وقتی مردم هجوم می برند برای خرید

۱۹
۲۰ و باقی ها فنرند کالای را بیرون بیاورند نیاز خود تعدد و در خانه انبار کنند

۲۱
۲۲ به دلیل این است که انتظارات اقداس قیمت کالا ، تفسیر کرده است

۲۳
۲۴ مثلاً می گویند به دلیل اقداس مواد اولیه ، قدر است قیمت روغن خوراکی

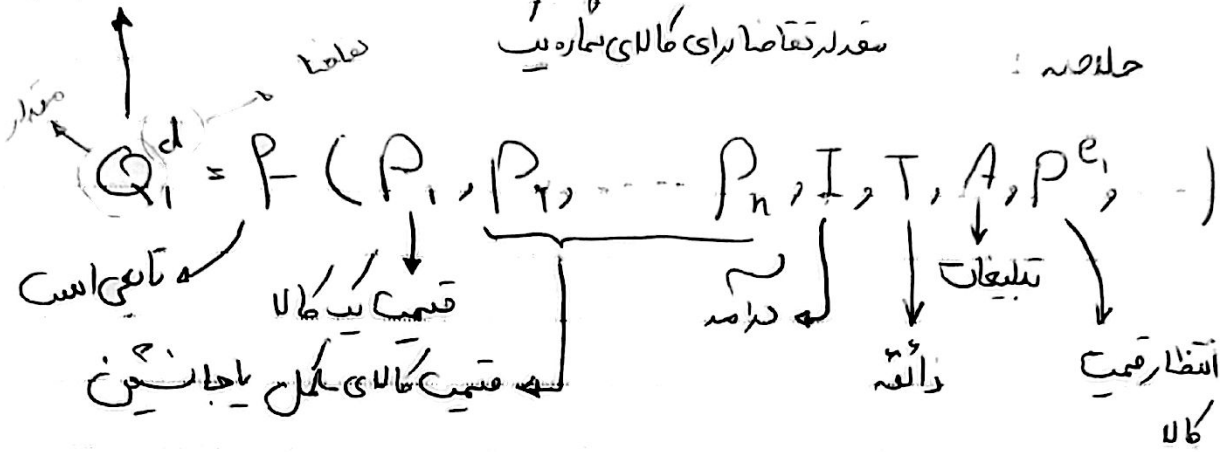
۲۵
۲۶ اقداس یابد و این انتظار اقداس قیمت را برای روغن ایلامی شود .

درستقیم مردم نیز برای خرید با قیمت قبلی، هجوم می آورند -

مقدار تقاضای خانوار

مقدار تقاضا برای کالای شماره یک

حداصل



حدول تقاضا

فقط در میان عواملی که ذکر کردیم، فقط قیمت خود کالا را متغیر فرض می کنیم

و بقیه عوامل را ثابت در نظر می گیریم.

اگر اینها را قیمت و تقاضا را در یک جدول نشان دهیم آن جدول را اصطلاحاً

حدول تقاضا گویند.

(در معنی تقاضا، جدول جدید معنای دیگری ندارد فقط قیمت)

را عنوان متغیر در نظر می گیریم. به عبارت دیگر معنی تقاضا را هم بین قیمت و مقدار تقاضا

به شرط ثابت بودن سایر عوامل (مربوط به شکل سفارشی)

Arman

مثال

ترتیب	A	B	C	D	E	F	G
قیمت (P _u)	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
مقدار (Q _u ^d)	۱۲	۱۰	۸	۶	۴	۲	۰

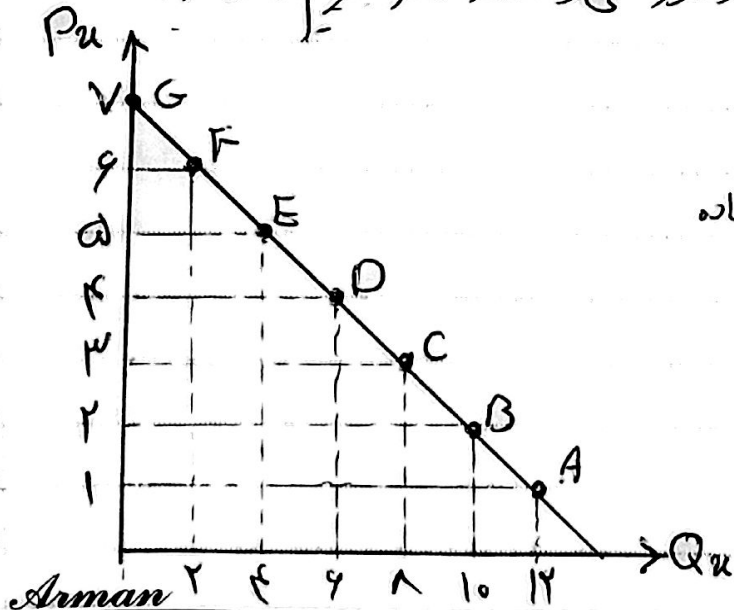
هر چه قیمت افزایش می یابد، مقدار تقاضا کاهش می یابد

سه عیون قانون تقاضا برای مثال صادر می شود، گاهی عاری می باشد

به این جدول، جدول تقاضا گویند که دارای ۲ عیون اصلی است

ب: مقدار قیمت ۲: مقدار تقاضا

حال اگر این جدول را به سطر ثابت بودن سایر متغیرها تبدیل کنیم نمودار آن
 دهیم که محور عمودی آن را قیمت و محور افقی را مقدار در نظر بگیریم؛ نمودار به شکل
 راستی تقاضا گویند.



البته این معنی می تواند در شکل ساده
 نمودار شکل خط باشد.

$$Q_u^d = a - bP_u$$

$$Q_u^d = a - bP_u$$

معادله تقاضا :

Q و P همان متغیرهای تابع هستند

می‌توانیم سایر عوامل را نیز در معادله وارد کنیم که در این مثال به دلیل ثابت بودن سایر عوامل، این‌ها صرفاً تغییر کرده‌اند.

بودن سایر عوامل، این‌ها صرفاً تغییر کرده‌اند.

حال برای یافتن نقاط a و b ، کافیست ۲ نقطه از روی نمودار با

جدول انتخاب کنیم و در معادله قرار دهیم. برای مثال با انتخاب ۲ نقطه

$$A: \begin{cases} Q_u = 12 \\ P_u = 1 \end{cases}$$

$$B: \begin{cases} Q_u = 10 \\ P_u = 2 \end{cases}$$

← A و B

این دو نقطه همگام در معادله تقاضا

$$\Rightarrow 12 = a - b$$

$$10 = a - 2b$$

$$\begin{cases} 12 = a - b \\ 10 = a - 2b \end{cases}$$

$$\boxed{2 = b} \Rightarrow \boxed{a = 14}$$

پس تابع تقاضای مثال قبل به شکل زیر است:

$$Q_u^d = 14 - 2P_u \Rightarrow$$

$$\Rightarrow P_u = 7 - \frac{1}{2} Q_u^d \Rightarrow$$

معادله معکوس تقاضا

Arman

دلایل نزدیکی برین معنی تقاضا :

الف) اثر جانبی ب) اثر درآمدی

فعلاً از توضیح این دلایل صرف تقریب کنیم تا یکی جلوتر ، معضلتی در توضیح دوم

که تفاوت میان تقسیم تقاضا ، تقسیم در مقدار تقاضا

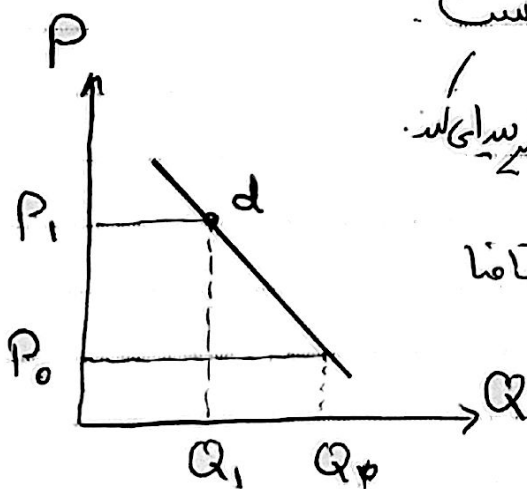
این دو واژه را باید متفاوت هست .

✓ اگر معنی تقاضای دارنده با P_0 (که سابقاً P_1 این ثابت است) و

بر روی معنی تقاضا حرکت کنیم ، به این کار ، تقسیم در مقدار تقاضا کنیم .

مثلاً در قیمت P_1 ، مقدار تقاضای ما Q_1 است .

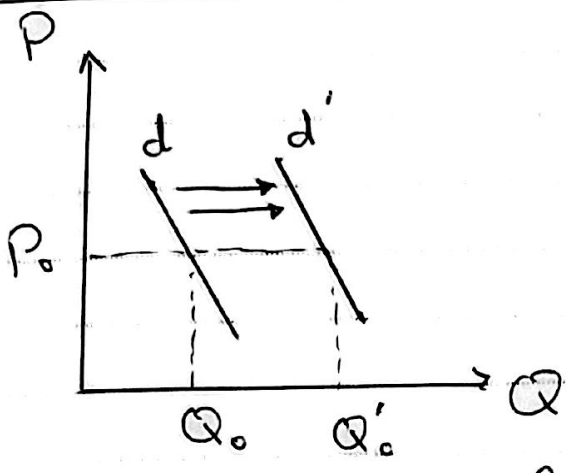
✓ اگر قیمت او را پایین ، مقدار تقاضا به Q_0 تقسیم بر می آید .



سپس حرکت روی معنی تقاضا را تقسیم مقدار تقاضا

گویند که تقسیم تقسیم تقسیم

قیمت خود کالا است



حال اگر معنی تقاضا داشته باشیم

و سایر عوامل باعث شوند که

تقاضا زیاد یا کم شود، حال معنی

تقاضا جابجایی شود. مسئله در این مورد این است که قیمت همزمان P_0

است. پس تقاضای ما برای این کالا افزایش می یابد و نمودار از d به

d' منتقل می شود. به عبارت دیگر نمودار به سمت راست منتقل می شود.

به این حالتها را معنی تقاضا، تغییر در تقاضا گویند.

پس تغییر تقاضا، ناشی از تغییر عوامل است و قیمت ثابت بوده است.

حال بررسی می کنیم که این جابجایی در چه شرایطی می تواند باشد.

و در هر موردی که قیمت چسبی باشد.

اولین اثر بر مغز ، اثر درآمده است
 همانند آن که تپه را گفتیم ،
 ضروری
 کمال
 لولیس
 نسبت

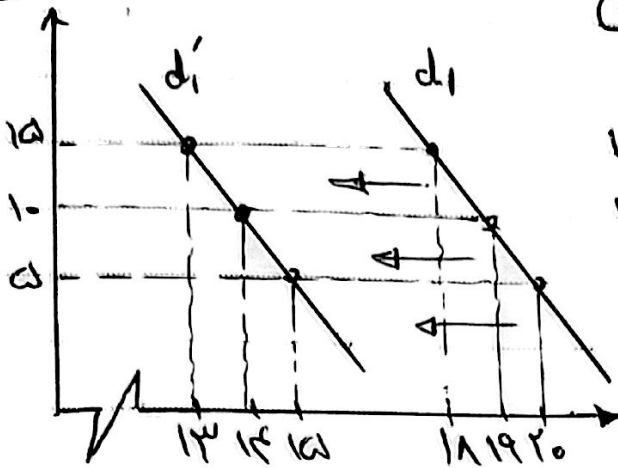
تعارف کتاب (صفحه ۵۰ تا ۴۹) مطالعه شود

سوال :

بچه خانواده فقیر را در تقویم کلاس که همه درامش را صرف خرید نان می کنند
 وقتی که معذری درامش را تقاضا می یابد می تواند بربغ بخرد ، نمودار زیر را
 رسم می دهد .

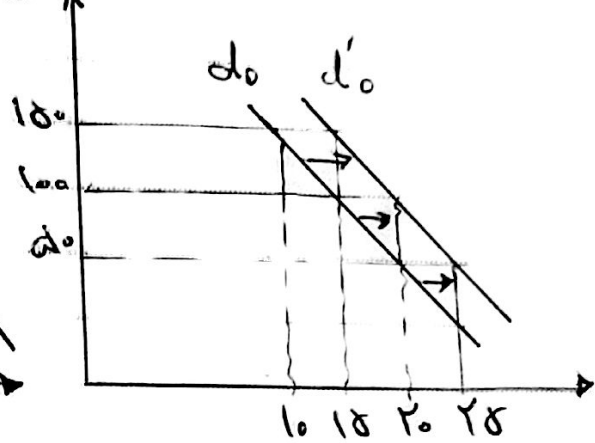
۲۰۰۰۰		۱۰۰۰۰		۵۰۰۰۰		درآمد	
تقاضای برنج	تقاضای نان	تقاضای برنج	تقاضای نان	تقاضای برنج	تقاضای نان	برنج	نان
۱۵	۲۵	۲۵	۱۵	۲۰	۲۰	۵۰	۵
۱۰	۲۴	۲۰	۱۴	۱۵	۱۹	۱۰	۱۰
۵	۲۳	۱۵	۱۳	۱۰	۱۸	۱۵۰	۱۵

قیمت نان



مقدار تقاضای نان

قیمت برنج



مقدار تقاضای برنج

نسبت با افزایش درآمد تقاضای خود را برای نان کاهش می دهد و تقاضای برنج را افزایش می دهد.

نسبت در هر سطح از قیمت مقدار کمتری فنون می خرد و نقاط دردی صحنه به نسبت

حیث مستقل می شود که نتیجه آن، انتقال کامل نفوذ تقاضای نان

به سمت چپ می باشد. ← نان یک کالای نسبت می باشد.

دری در برنج برای این خانواده، به یک کالای ندرت تبدیل می شود و با افزایش

درآمد، تقاضای برنج نیز افزایش می یابد و نقاط دردی نفوذ به سمت راست

مستقل می شود که نتیجه انتقال کامل نفوذ به سمت راست می باشد.

خلاصه:

در نمودار به نسبت راست منحرف شود، تقاضای افزایش یافته و اگر

به چپ منتقل شود، یعنی تقاضای کم شده است. (بدیهی است)

در هر سطح از قیمت، خرید بیشتری اتفاق افتاده است، و

خرید کمتری

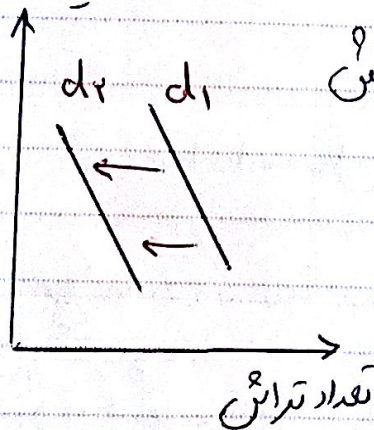
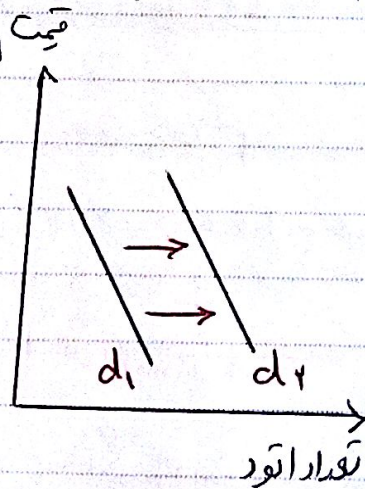
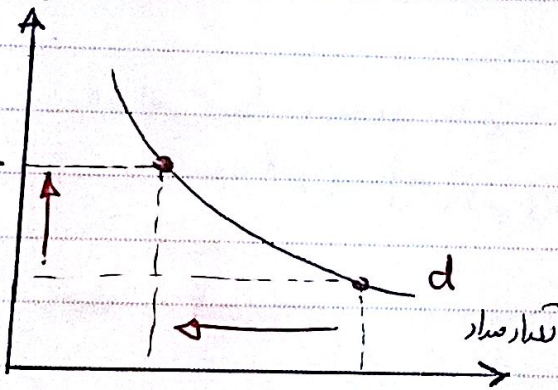
سپن نمودار کتاب را برای این گام ها در ادامه مطالعه نماید

کالای مرتبط

کالای ماقده صادر را در نظر بگیرید

کالای جانشین آن است

کالای مکمل آن است



۱
۲ ارزش قیمت مبادا افزایش یابد ، علاوه بر این تقاضای مبادا کم می شود و برای معنی
۳ به سمت بالا حرکت می کنیم ، تقاضا برای کالای جانشین و مکمل نیز تغییر می کند
۴
۵
۶ که افزایش قیمت مبادا → کاهش تقاضای مبادا → کاهش تقاضای تراش
۷
۸ پس نمودار تراش به سمت چپ منتقل می شود (مکمل)

۹
۱۰
۱۱ افزایش قیمت مبادا → کاهش تقاضای مبادا → افزایش اتود
۱۲
۱۳ نمودار اتود به سمت راست منتقل می شود (جانشین)

۱۴
۱۵
۱۶ افزایش مبادا → تقاضا برای مکمل را کم کرده
۱۷
۱۸ به تقاضا برای جانشین را افزایش داده

۱۹
۲۰ خلاصه این تغییرات :
۲۱
۲۲ ۱) وقتی قیمت خود کالا تغییر کند ، نمودار تقاضا تابعی می شود و سایر معنی

۲۳ حرکت می کنیم .
۲۴ ۲) اثر بر عوامل تغییر کند ، نمودار تقاضا منتقل می شود .

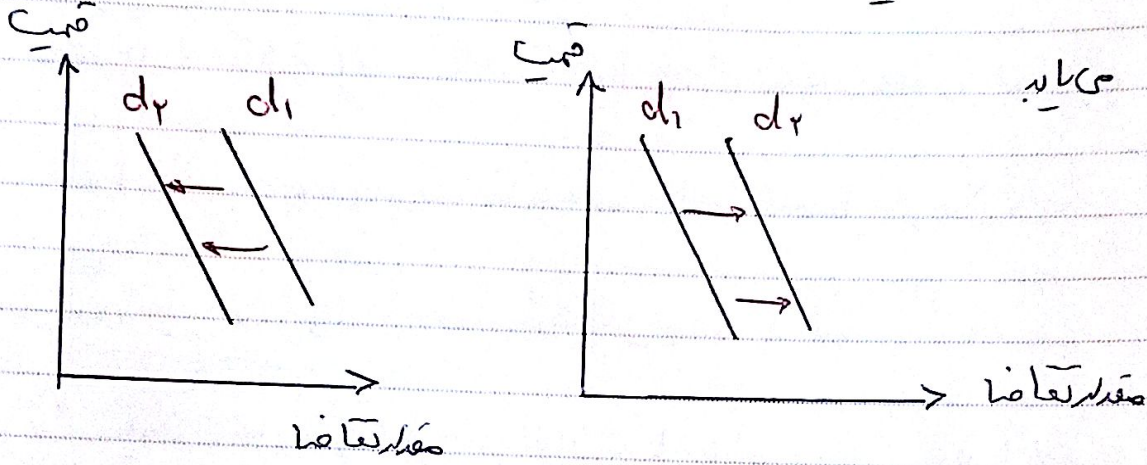
۲۵ ۳) اثر افزایش درآمد ، بستگی به نوع کالا دارد که نگران باسیت باشد .

۲۶
۲۷ ۴) اثر کالاهای مرتبط (جانشین یا مکمل) نیز نگران داده است .

Arman

اگرچه ، بحث انتظارات است

در انتظار افزایش قیمت کالا را داشته باشیم ، تقاضای فعلی کالا افزایش می یابد



(ب)

(الف)

در نمودر الف ، نمودر تقاضای کالای را می بینیم که انتظار افزایش قیمت داریم

در انتظار افزایش دارنده داریم ، تقاضا برای کالا افزایش می یابد و نمودر

به سمت راست منتقل می شود

نمودر (ب) انتظار کاهش قیمت داریم پس تقاضا کاهش پیدا می کند

صدا دلیل کاهش خرید خودرو ، انتظار مردم برای کاهش قیمت می بار

باعث انتقال نمودر به سمت چپ می شود

سایر عوامل شامل، سلیقه، تبلیغات نیز در تقاضا اثر دارد.

یکری عوامل هم بوده که در تابع تقاضا به شکل ... ذکر شده بود

یکی از آن عوامل، **جمعیت** است که افزایش جمعیت منجر به افزایش

تقاضای شود. و نمودار تقاضا به سمت راست منتقل می شود.

تراشک و دعوی نیز می تواند روی تقاضا اثر داشته باشد.

بایست های دولت و وضع مالیات یا یارانه روی **بایست** نیز

له می دهد تولید در مصرف

در تقاضای آن کالا موثر است.

مؤثر تعیین یارانه به مصرف کننده، مانند افزایش درآمد عمل می کنند.

صعوبه افزایش کالای نرمان می شود و تقاضای کالای نسبت را کاهش

می دهد.

طرح کال، **مراکز فروش کالا**، **انتظارات درامدی** نیز موثر هستند.

بجانبی شکل و جناب، روی تقاضا برای کالا تأثیر دارد.

خدمات پس از فروش و مراکز فروش افزایش یافته، مصرف کننده به سمت

خرید آن طلا، بیشتر مایل نشان می دهد.
 مثلاً گفتند که فلان حش را بفروش تا نمایندگی در این شهر ندارد یا
 خدمات پس از فروش خوبی ندارد.

انتظارات درامدی:

یعنی انتظار افزایش درآمد ما روی تقاضای ما تأثیر دارد.
 مثلاً کسی که شغلی ندارد ولی قهقهه است در آینده نزدیک مسئول به کار شود،
 با وجود اینکه هنوز درآمد افزایش نیافته ولی چون انتظار دارد درآمدش کند
 ماه آینده افزایش باید، روی تقاضای حال حاضر اثر می گذارد و مثلاً
 بکری کالاها را به سطل قسطی خرید می کند (با این امید که به زودی درآمدش
 افزایش می یابد) معمولاً از طریق استقراض، با وام یا برداشت از
 پس انداز قبلی، نسبت به افزایش تقاضا و خرید اقدام می کنند.

از یک نیز همین طور است. **ترویج** که معنی سرچشمی است.

حلاسه

همه عواملی که روی تقاضای نیروی کار اثر دارد ۲-۳ دسته تقسیم می شوند:

(۱) متغیرهای استراتیژیک و قابل کنترل

(۲) متغیرهای غیر قابل کنترل

(۳) رقبا

① قابل کنترل

مانند قیمت کالا، تبلیغات، اعتبار فروش، بسته بندی و ...

② متغیرهای رقبا

قیمت کالای جانین یا ملل و ...

③ متغیرهای غیر قابل کنترل

سلیقه هاگون - انتظارات انجانه افراش یا کاهش قیمت

صناعات ۵۶ و ۵۷ که در مطالعه شود

معنی تقاضای بازار
 همانقدر که قبلاً نیز گفتیم، که تقاضای بازار یعنی جمع تقاضای تک تک مصرف کنندگان

$$Q_u^D = (Q_u^d)_A + (Q_u^d)_B$$

بزرگ تقاضای بازار. برای بدست آوردن معادله تقاضای بازار باید جمع

تک تک مصرف کنندگان A و B را بنویسیم.

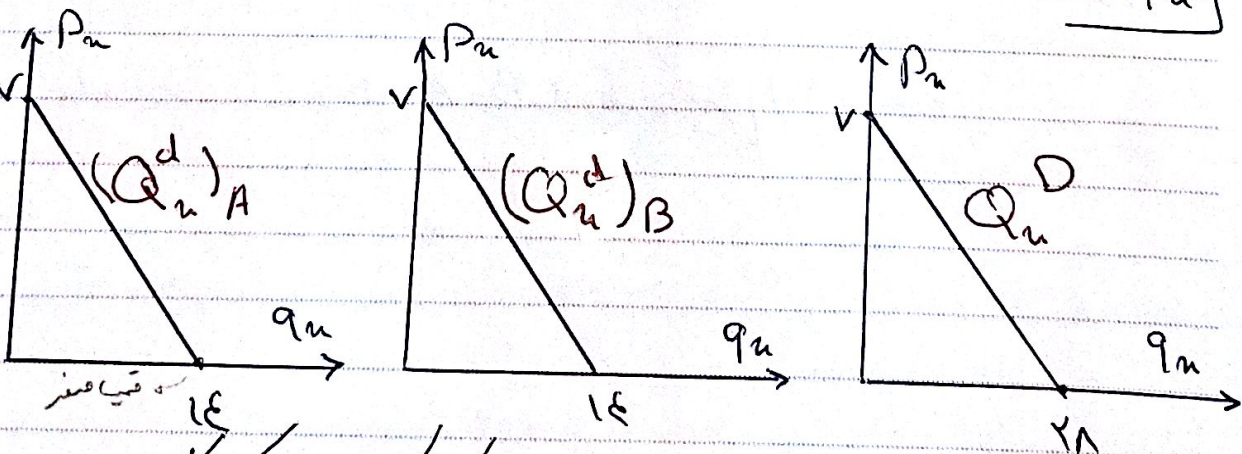
تقاضای بازار = تقاضای A + تقاضای B
 یا فرقی است فقط A و B
 متقاضی خرید در بازار هستند.

حال اگر بخواهیم معادله تقاضای بازار را بدست آوریم، اگر مصرف کنندگان

تابع تقاضای یکسان داشته باشند،

$$(Q_u^d)_A = 14 - 2P_u$$

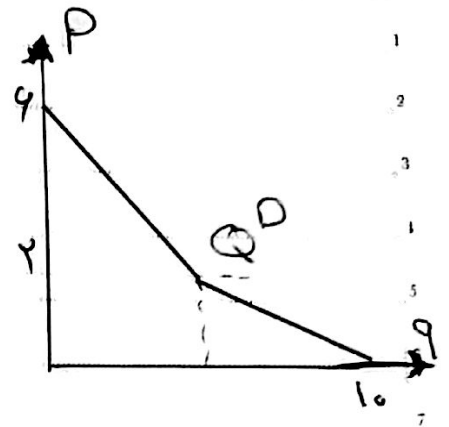
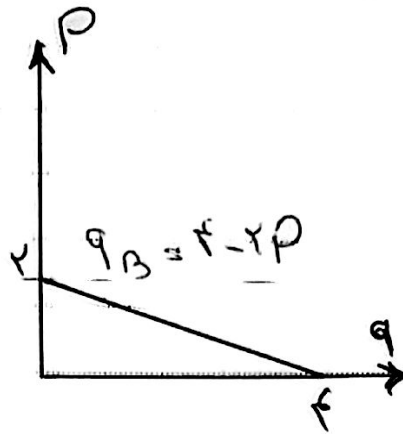
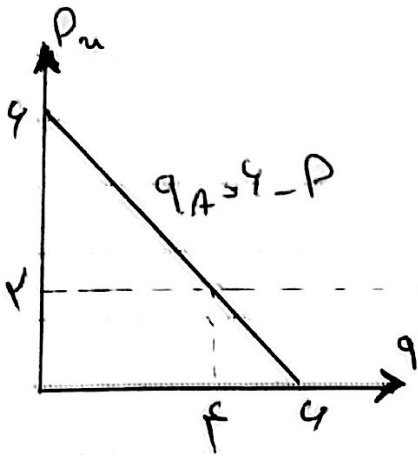
$$(Q_u^d)_B = 14 - 2P_u \Rightarrow Q_u^D = 14 - 2P_u + 14 - 2P_u = 28 - 4P_u$$



که نمودار تقاضای بازار جمع واقعی نمودار تقاضای تک تک مصرف کنندگان است

Arman

و ما را با هم جمع می کنند



تقاضای A و B، یکسان نیست.

$$Q_A = 7 - P$$

$$Q_B = 4 - 2P$$

$$Q_u^D = Q_A + Q_B = 7 - P + 4 - 2P$$

$$\Rightarrow Q_u^D = 10 - 3P \Rightarrow P = \frac{10}{3} - \frac{1}{3} Q_u^D$$

[مصرف کننده B، تا قیمت ۲ خرید کند، مصرف کننده A، مصرف کننده B نیز

سپس از قیمت ۲ به بالاتر، فقط مصرف کننده A را داریم و نمودار مطابق

شکل نمودار تقاضای A است و در این نقطه مصرف کننده B نیز

وارد بازار می شود و جمع A و B را در تقریباً $(10 = 7 + 4)$ $\begin{matrix} A \\ B \end{matrix}$

سوال - سرمایه متغیر حیران است یا سجوی؟

سرمایه متغیر سجوی است - وقتی می‌گویم سرمایه من فلان قدر

است ، چون داریم در نقطه می‌گویم ، متغیر سجوی است مانند

آب حوض و یا دریا

داده متغیر حیران نرود متغیر سجوی

سرمایه متغیر سجوی سرمایه لذت‌رسان متغیر حیران

سوال ، علت دفعه بندی کالا به ۲ دسته نهایی و واسطه چیست؟

زیرا در حساب ارزش کالاها و ضایعات نهایی تولید شده به‌طور

که همان تولید ملی است ، زیاد گویند و اعتقاد کنیم هر چیزی را یک بار

و فقط یک بار حساب کنیم . (نه چیزی از قلم بی‌وقت و نه چند بار حساب شود)

مثلاً وقت فولادی

نمی‌شود هم وقتی که در تولید ماشین بکار می‌رود را بگویم و هم وقتی که در سجوی

انبار هست را حساب کنیم . فقط کالای نهایی را می‌گویم ، و کالای واسطه

به حساب نمی‌آید .